



اقتباس محتوایی و بازنویسی از شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان

دکتر مریم جلالی

«هیچ کس نیست که متنی بنویسد و کسی نتواند آنرا در جایی از ادبیات جهان بیابد»
آلفرد تنیسون

جهان مترقی امروز کارکردهای ارزشمندی را برای جامعهٔ کودکان و نوجوانان به ارمغان آورده است. هر ساله سمینارهای بیشماری در سطح جهان برگزار می‌شود که تلاش آنان بیشتر در جهت معرفی و تهیهٔ خواندنی‌ها برای کودکان و نوجوانان متمرکز شده است. بی‌گمان در آیینۀ آثار کودک، می‌توان نمونه‌های مختلف زندگی را به نمایش گذاشت و در مجموعهٔ این آثار ادبیات سهم خاص خود را دارد.

در تکمیل دیدگاه فوق جالونگو^۱ معتقد است ادبیات کودک پیش‌زمینۀ مناسبی برای کودکان و نوجوانان است و مطالعات ثابت می‌کند وجود ادبیات کودک علاوه بر حفظ ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، تداوم جامعه را تثبیت می‌کند.

ایجاد رابطه میان متون کهن و ادبیات امروزی همواره یکی از مباحث پُرکشش و جذاب بوده است. بخشی از آثار روایی که در دوره‌های کهن توسط شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان و ایرانی خلق شده‌اند توسط داستان‌نویسان امروزی مورد توجه قرار گرفته‌اند. اقتباسات، قلمروی وسیع دارند که در آن فرهنگ و تجدد ملل می‌گنجد. گروهی معتقدند که رابطهٔ بین متون کهن و ادبیات امروزی یک‌سویه است و نباید ارزش متون کهن را با امروزی کردن آن از بین برد (صفر عبدالله، ۲۰۰۸). اما عده‌ای نیز برآنند که: «ساده و نو کردن آثار کهن ضروری است تا نسل‌های جدید از سرمایه‌های فکری و فرهنگی نسل‌های قدیم بهره‌مند شوند، در غیر این صورت گسیختگی فرهنگی و ادبی پیش خواهد آمد و آن بزرگترین خسارت به ملت است که ریشه در اعماق تاریخ دارد.» (سنجری، ۱۳۸۴: ۳۶)

با آنکه مبحث اقتباس^۲ در ایران - به‌خلاف نظر کشورهای پیشرفته - غالباً تنها در بخش سینما و تئاتر معنا یافته است اما به‌نظر می‌رسد، تلفیق این مقوله با ادبیات کمک می‌کند تا تعریف نسبتاً کاملی از برداشتهای ادبی نسبت به متون دیگر به‌دست آید.

گرچه نمی‌توان ادعا کرد که اقتباس از متون کهن جایگاه متن اصلی را می‌گیرد؛ زیرا هرگز یک اقتباس هرچند هم در سطح عالی باشد نمی‌تواند حضور زیبایی متن اصلی را آن‌طور که شایسته است بیان کند، خصوصاً اگر متن اصلی، یک شاهکار شاعرانه باشد، اما می‌توان با اقتباس صحیح، گسترۀ تازه‌ای از کلمات و تصاویر جدیدی را با کمک عبارات شکل داد و ساختاری را به‌وجود آورد که هرگز تقلیدی، ساده و ملال‌آور نباشد.

پیش

باید پذیرفت که مقتبس ادعای رقابت با متن کهن را ندارد؛ بلکه می‌خواهد از دریچه‌ای دیگر زیبایی متن کهن را در اختیار کسانی قرار دهد که با آن فاصله‌ای زمانی و مکانی دارند. مقتبسی که کار کودک و نوجوان انجام می‌دهد مرزهای زمان و مکان را درمی‌نوردد و متن کهن را از دنیای دور به دنیای امروزی مخاطب می‌کشاند. با این وجود اگر اثر کهن و اصلی را نخستین واقعیت مخلوق به حساب بیاوریم، اثر مقتبس را نیز می‌توانیم «واقعیت دوم» بنامیم. ممکن است به نظر برسد که در اقتباس هدف اصلی نویسنده تنها انتقال مفاهیم است؛ اما از آنجا که هر اثر هنری بزرگ، جلوه‌های آشکار و ناآشکاری دارد، لازم است به این نکته دقت شود که گاه این انتقال در چالش‌های ذهن مقتبس قرار می‌گیرد و در حیطه ادبی و پیوند با امور زیبایی آفرینی، با پیکره‌های مختلف حضور پیدا می‌کند.

شاهنامه فردوسی به عنوان یکی از آثار کلاسیک ملی زبان و ادب فارسی از تأثیرگذارترین منابع علوم انسانی در ادبیات کودک و نوجوان زبان فارسی است. شاهنامه دربردارنده تاریخ اساطیری، پهلوانی و تاریخی ایران است.

گروهی معتقدند هر نوع برداشتی از متن که حاوی سه نوع تغییر جابه‌جایی، شباهت‌سازی^۱ و تفسیرسازی^۲ باشد در مجموعه اقتباس قرار می‌گیرد.

اقتباس از شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان به لحاظ محتوایی به دو شاخه تقسیم می‌شود که اقتباس‌کنندگان از شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان موارد زیر را در نوشته‌های خود تجربه کرده‌اند.

«اقتباس باز یا آزاد؛
اقتباس بسته یا وفادار.» (وانوا، ۱۳۷۹: ۱۲)

۱-۱- اقتباس آزاد

در اقتباس آزاد (باز) اقتباس‌کننده با استفاده از عناصر موجود در منبع، متن را آن گونه که اراده می‌کند، می‌پروراند. اقتباس آزاد در فرم ادبی و داستانی انواعی دارد که می‌توان به بازآفرینی، بازنگری، وام‌گیری عناوین و اصطلاحات اشاره کرد. همان‌طور که از این عنوان پیداست، نمی‌توان برای انواع اقتباس آزاد تعریفی محدود ارائه کرد و این امکان وجود دارد که در آینده انواع دیگری از آن توسط اقتباس‌کنندگان تجربه شود.

۲-۱- اقتباس بسته

در اقتباس بسته یا وفادار، اقتباس‌کننده کوشش می‌کند که منبع ادبی را ملاک اصلی خویش قرار دهد، روح اثر اصلی را در متن جدید حفظ کند و در عین حال ساختار عمده رویدادهای اصلی و شخصیت‌های مهم را در پناه داستان اصلی نگه دارد. اقتباس بسته انواع مختلفی دارد: بازنویسی^۳، گزیده‌نویسی^۴، تلخیص^۵ و تصویرگری محض^۶.

بازنویسی از متداول‌ترین روش‌هایی است که اقتباس‌کنندگان کتاب‌های کودک و نوجوان برای انتقال متن شاهنامه از آن استفاده کرده‌اند و می‌توان گفت که بازنویسان در ایران حدود نود و هفت درصد از کتاب‌های برگرفته از شاهنامه را به این شیوه نوشته‌اند.

حدود سیصد و چند کتاب داستانی برگرفته از شاهنامه که در فاصله سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۳۸۵ برای کودک و نوجوان نوشته شده‌است در این مجموع، نویسندگان در نزدیک به سیصد کتاب از شیوه بازنویسی





استفاده کرده‌اند. این آمار ضرورت آکادمیک کردن علوم مربوط به ادبیات کودک و نوجوان را بیش‌تر نمایان می‌سازد.

اصطلاح بازنویسی را نخستین‌بار محمود مشرف‌تهرانی در مجمع بین‌المللی ادبیات کودک در ۲۵ اردیبهشت سال ۱۳۵۴ مطرح کرد. جمال میرصادقی بازنویسی را برابر با اقتباس معرفی کرده‌است: «اقتباس یا بازنویسی، بازنگری اثری است به اندازه دلخواه، به طوری که عمل داستانی شخصیت‌ها - تا حدی که ممکن باشد - و خصوصیات زبانی و لحن اثر اصلی برجا بماند.» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۲۵)

جعفر پایور تعریفی دقیق‌تر از بازنویسی مطرح کرده‌است: «بازنویسی یعنی به زبان امروزی در آوردن اثر کهن به طوری که کهنگی اثر گرفته شود و بر دو گونه است: بازنویسی ساده؛ یعنی اثر کهن را به زبان امروزی در آوردن و بازنویسی خلاق؛ یعنی ساختار نو به اثر کهن دادن.» (پایور، ۱۳۸۰: ۱۵).

با کنار گذاشتن جزئیات، بازنویسی از شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان به دو نوع تقسیم می‌شود:

الف) بازنویسی با تغییرات اندک؛

ب) بازنویسی با تغییرات زیاد. (سنجری، ۱۳۸۴: ۴۰)

در اکثر کتاب‌های بازنویسی شده از شاهنامه، اقتباس‌کنندگان ترجیح داده‌اند در تبدیل متن شاهنامه و مناسب‌سازی آن برای گروه کودک و نوجوان، از موضوع متن اصلی خارج نشوند. معمولاً در آثار بازنویسی شده برای کودک و نوجوان مراحل زیر اجرا شده‌است:

«ساده کردن زبان متن اصلی؛

تغییرات در برخی عناصر داستانی متن اصلی؛

حذف مطالب غیر ضروری از متن اصلی؛

انتخاب و برجسته‌سازی بخش‌های مهم از متن اصلی.» (همانجا)

در کیفیت اجرای این مراحل نیز اقتباس‌کنندگان از شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان، بسیار سلیقه‌ای عمل کرده‌اند. بررسی متون اقتباس شده از شاهنامه به روش بازنویسی نشان می‌دهد که ساده کردن متن اصلی و حذف مطالب غیر ضروری از متن اصلی باتوجه به اینکه متن برای کودکان و نوجوانان نوشته می‌شود - از پرکاربردترین روش‌های اجرایی در مناسب‌سازی شاهنامه، در بازنویسی برای گروه سنی کودک و نوجوان است.

ضعف اساسی در بازنویسی‌های موجود از شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان در عدم توجه اقتباس‌کنندگان به بخش زبان کودک و نوجوان و در نظر نگرفتن دایره واژگانی این گروه است. آشنایی با گستره واژگانی زبان رسمی کودکان و نوجوانان، جزو مهم‌ترین دانش‌هایی است که نویسندگان و محققان کودک و نوجوان باید با آن آشنا باشند. مهم‌ترین ویژگی برای انتخاب و ارائه واژه‌ها بیشتر بر پایه موقعیت، موضوع و آشنایی فرهنگی کودکان و نوجوانان صورت می‌گیرد. استفاده از واژه‌های زمان و دوره فردوسی، در کتاب‌ها و نوشته‌های اقتباس شده از شاهنامه برای کودک و نوجوان در عصر حاضر، بستگی به عوامل مذکور دارد و به صرف حفظ روح حماسی متن اصلی، نمی‌توان در بازنویسی‌ها، کودک و نوجوان را مجبور کرد تا با واژه‌ها و عبارات نامأنوس روبه‌رو شوند. درحقیقت کار یک اقتباس‌کننده در کاربرد زبان، کمتر از کار مؤلف متن اقتباس شده نیست. اقتباس‌کننده برای ایجاد رابطه، بین دو متن، باید به زبان



زین

●● در اقتباس بسته
یا وفادار، اقتباس کننده
کوشش می کند که
منبع ادبی را ملاک
اصلی خویش قرار
دهد، روح اثر اصلی را
در متن جدید حفظ
کند و در عین حال
ساختار عمده
رویدادهای اصلی و
شخصیت‌های مهم را
در پناه داستان اصلی
نگه دارد ●●

آسیب‌شناسی بازتاب شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان.
بازتاب شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان خارج از مرزهای ایران.
جستجو و مصداق‌یابی انواع اقتباس از دیگر متون ادبی در کتاب‌ها و نشریات کودک و نوجوان.
مقایسه بازنویسی از شاهنامه برای کودکان و نوجوانان با بازنویسی از دیگر متون ادبی.
مقایسه کمی و کیفی انواع اقتباس از شاهنامه برای کودکان و نوجوانان با انواع اقتباس از دیگر متون حماسی غیر ایرانی.
تحلیل سیاست‌های اجرایی در جهت توسعه تولید کمی و کیفی آثار مقتبس از متون کهن در کتاب‌ها.
مقایسه نشریات کودک و نوجوان داخلی در بخش اقتباس از متون کهن با نشریات کشورهای دیگر که در این بخش همت گماشته‌اند.
مقایسه بخش زبان کاربردی کودکان کتاب‌های برگرفته از شاهنامه با نشریات، به لحاظ ساختار دستوری.

کهن و زبان معیار اشراف داشته‌باشد تا بتواند در بازنویسی، با دانش کافی از واژه‌های مناسب استفاده کند.
در بازنویسی غالباً عقیده جدیدی تولید نمی‌شود، بلکه کنش بازنویسی بیشتر در خلق عمل‌ها و عکس‌العمل‌های موجود در متن بازنویسی شده‌است. بسیاری از اقتباس‌کنندگان از شاهنامه در بازنویسی برای کودک و نوجوان این نکته را نادیده نگرفته‌اند و در اجرای آن به حذف مطالب غیر ضروری از متن اصلی و برجسته‌سازی بخش‌های مهم داستانی پرداخته‌اند.
در زمانی که ادبیات وارداتی در کشورمان هر روز ابعاد گسترده‌تری می‌یابد، ضرورت پدید آوردن آثاری که بتواند ادبیات کودک و نوجوان ایرانی را از زاویه‌های مختلف مورد بررسی قرار دهد، بیشتر از پیش نمود پیدا می‌کند. باشد که در راه تحقیق، کم و کاستی‌ها روشن و جبران گردد. به این منظور پیشنهادهایی جهت بهبود وضعیت ادبیات کودک و نوجوان به‌خصوص در اقتباس از متون کهن و به ویژه شاهنامه فردوسی ارائه شده‌است.

کتابنامه

سنجری جمیله (۱۳۸۴). نقد و بررسی آثار بازنویس از کلیله و دمنه، مرزبان نامه، منطق‌الطیر... برای کودکان و نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
پایور، جعفر (۱۳۸۰). شیخ در بوته. تهران: اشراقیه.
واتوا، فرانسسیس (۱۳۷۹). فیلمنامه‌های الگو، الگوهای فیلمنامه، ترجمه داریوش مؤدبیان، تهران: سروش.
میر صادقی، جمال، میر صادقی، میمنت (۱۳۷۷). واژه‌نامه هنر داستان نویسی، تهران: کتاب مهنان.
Cartmell, Deborah, and Whelehan, Imelda (eds) (1999) Adaptations: From Text to Screen, Screen to Text, London: Routledge.

پی‌نوشت

دکتر صفر عبدالله، (۲۰۰۸) سخنرانی، همایش بین‌المللی فردوسی و حماسه‌سرایی در ایران و آسیای مرکزی، آلماتی ۱۱ و ۱۲ می.

1. Jalongo
2. Adaptation
3. Transposition
4. Analogue
5. Commentary
6. Rehabilitation
7. Selective writing
8. Abridgment
9. Picture book



شماره ۲۳ و ۲۴ / صفحه ۵۸

«شاهنامه فردوسی هم از حیث کمیت و هم از جهت کیفیت بزرگترین اثر ادبیات و نظم فارسی است بلکه می توان گفت یکی از شاهکارهای ادبی جهان است.
نخستین منت بزرگی که فردوسی بر ما دارد احیاء و ابقاء تاریخ ملی ما است. یک منت دیگر فردوسی بر ما احیاء و ابقاء زبان فارسی است. کلامش مثل آهن محکم است و مانند آب روان است و همچون روی زیبا که به آب و رنگ و خال و خط حاجت ندارد در نهایت سادگی و بی پیرایگی است. از خصایص فردوسی پاکی زبان و عفت لسان اوست. کلیت فردوسی مردی است به غایت اخلاقی با نظر بلند و قلب رقیق و حس لطیف و ذوق سلیم و طبع حکیم، همواره از قضایا تنبه حاصل می کند و خواننده را متوجه می سازد که کار بد نتیجه بد می دهد و راه کج انسان را به مقصد نمی رساند»
(محمدعلی فروغی- وفات ۱۳۲۱ هـ.ش. مقاله مقام فردوسی- هزاره فردوسی)